

اصطلاحنامه علوم اسلامی در بوته نقد



حاضران در جلسه:

دکتر مازیار امیرحسینی، دکتری
کتابداری و اطلاع‌رسانی و عضو اتاق
فکر وزارت جهاد کشاورزی، دبیر
نشست،



حجت‌الاسلام دکتر محمدهادی
یعقوب‌نژاد، دکترای تفسیر و علوم
قرآنی و مدیر گروه تدوین اصطلاحنامه
جامع علوم اسلامی و مدیر کل مرکز
اطلاعات و مدارک اسلامی،



دکتر عباس حری، استاد علوم کتابداری
و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران و مشاور
اصطلاحنامه جامع علوم اسلامی،



فاطمه رهادوست، عضو هیئت علمی
گروه کتابداری دانشگاه علوم پزشکی
ایران و مجری طرح اصطلاحنامه
پزشکی فارسی،



ملوک‌السادات حسینی بهشتی، عضو
هیئت علمی و مدیر گروه پژوهش
پژوهشگاه اطلاعات و مدارک
علمی ایران و مدیر گروه پژوهشی
اصطلاح‌شناسی در پژوهشگاه،



دکتر امیرحسینی: این نشست به نقد و بررسی اصطلاحنامه‌های حوزه علوم اسلامی اختصاص دارد. در خدمت اصحاب تدوین این اصطلاحنامه‌ها هستیم. ابتدا لازم است مقدمه‌ای خدمت شما عرض کنم. در این جلسه آقای دکتر حری درباره مبانی تفکر اصطلاحنامه‌نگاری نکاتی را مطرح خواهند کرد. آقای دکتر یعقوب‌نژاد پیشینه تدوین اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی را ارائه می‌کنند. خانم رهادوست درباره ارزیابی ساختاری اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی بحث خواهند کرد و خانم بهشتی به بررسی زبان شناختی اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی خواهند پرداخت. بنده هم مقدمه‌ای درباره تفکر سیستمی در ارزیابی اصطلاحنامه‌ها عرض می‌کنم که بحث تفکر سیستمی ما را به موضوع جلسه هدایت می‌کند. من می‌خواهم پیوندی بین تفکر سیستمی در اصطلاحنامه و مقوله نقد و بررسی و ارزیابی اصطلاحنامه‌ها برقرار کنم. بحث دیگر، بحث ارزیابی کمی اصطلاحنامه‌های حوزه علوم اسلامی از قبیل اصطلاحنامه اصول فقه، اصطلاحنامه منطق، فلسفه، کلام و علوم قرآنی است. بحث تفکر سیستمی در اصطلاحنامه‌ها از دو جنبه مورد نظر قرار



دکتر امیرحسینی بحث تفکر سیستمی در اصطلاحنامه‌ها از دو جنبه مورد توجه قرار می‌گیرد، اصطلاحنامه به‌مثابه یک محصول و ارتباطات درونی که این سیستم دارد

می‌گیرد و نتیجه این است که چهار توصیفگر به مرحله جمع منطقی ما می‌رسد و در این مرحله ورودی مرجع ما که پنج است، منهای چهار می‌شود و خطای سیستم ما یک می‌شود. یعنی یک توصیفگر مجزا و منفرد در سیستم داریم. در مرحله بعد این توصیفگر منفرد و مجزا جای خود را پیدا می‌کند و بازخورد ما پنج است و ورودی مرجع ما پنج و نتیجه صفر می‌شود.

ویژگی‌های سیستم با بازخورد منفی در ارزیابی اصطلاحنامه‌ها در سه مقوله خلاصه می‌شود: حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب، حرکت در برقراری تعادل در نظام اصطلاحنامه‌ها که در وضع صفر تعادل برقرار است و ثبات در هدف از طریق رعایت استاندارد است. استانداردها تدوین شده است و ما در تدوین اصطلاحنامه برای حرکت به سمت این استانداردها حرکت می‌کنیم، بنابراین هدف ما ثابت است. در ارزیابی اصطلاحنامه‌ها اشاره کردم که غالباً سیستم‌ها بازخورد منفی هستند که باید به‌عنوان یک مسئله چالشی ذهنی به آن فکر کرد که چه ارزیابی می‌توانیم داشته باشیم که بازخورد سیستم مثبت باشد و منفی نباشد. تقاضا می‌کنم از آقای دکتر حری که درباره مبانی تفکر اصطلاحنامه‌نگاری، دیدگاه‌های خود را بیان کنند.

دکتر حری: اصطلاحنامه پیشینه جالبی دارد. اصطلاحنامه مانند سرعنوان ابتدا قرار بود که با این هدف تولید شود که به‌عنوان زبان کنترل شده بر یک نظام جدید سازمان‌دهی که در گذشته فهرست‌نویسی آن را انجام می‌داد، اصطلاحنامه این کار را به عهده بگیرد. تاریخ آن هم برمی‌گردد به اینکه زائد احساس شد نمایه‌سازی نسبت به فهرست‌نویسی برتر است یا دست‌کم در نظام تحقیق که سر و کار با کتاب به‌منزله یک دانش پایه نیست و بیشتر با دانش تولید شده متأخر سازگار است؛ اصطلاحنامه پدید آمد و روابط تعریف شد. البته روابط در آغاز اینگونه که امروزه ما با آن روبه‌رو هستیم، نبود و این جامعیت را نداشت. در کار خود روزه هم، به‌عنوان پدر اصطلاحنامه که نگاه کنید، می‌بینید که در حد بسیار ساده و در حد ترادف روابطی وجود دارد، ولی بعدها روابط دیگری به آن افزوده شد. نکته جالبی که در طول تاریخ تدوین اصطلاحنامه اتفاق افتاد، این بود که خود این اصطلاحنامه قرار بود که بازنمون یک حوزه^۳ باشد، یعنی فرض کنید فردی که نمایه‌سازی می‌کند از آن به‌عنوان مجموعه اصطلاحات پذیرفته شده حوزه مورد نظر استفاده کند تا زبان کنترل شده آن حوزه را برای مدارک مرتبط خود به‌کار ببرد. بعد از مدتی فکر کردند که آیا این اصطلاحنامه واقعاً قادر است محتوای آن رشته را آنگونه که هست به مخاطب نشان بدهد. این یک بحث هستی‌شناختی است.

می‌گیرد، جنبه اول اصطلاحنامه به‌مثابه یک محصول است و این خودش یک سیستم شناخته می‌شود و ارتباطات درونی که این سیستم دارد، شامل روابط اعم، اخص، وابسته، هم‌ارز و اصطلاحات مترادف است. همین‌طور در بحث هستی‌شناسی‌ها عاملی که باعث می‌شود اصطلاحنامه یک سیستم تلقی شود و فرآیند دیگری را که به‌عنوان سیستم در نظر گرفته می‌شود، فرآیند ساخت اصطلاحنامه است. در فرآیند ساخت اصطلاحنامه ما شاهد یک تفکر سیستمی هستیم که این تفکر عامل شکل‌گیری یک اصطلاحنامه به‌منزله خروجی می‌شود. در فرآیند تفکر سیستمی اصطلاحنامه ما به سیستم یک ورودی داریم که ورودی به سیستم اصطلاحات خام هستند. اصطلاحاتی که از مجموعه مدارک و اسناد انتخاب می‌شود و متخصصان موضوعی برای تدوین اصطلاحنامه از آن استفاده می‌کنند و این وارد قسمت پردازش یا پیش‌خواند یا فرآیند تدوین اصطلاحنامه می‌شود. در سیستم یک خروجی داریم که معمولاً خروجی سیستم اصطلاحنامه و اصطلاحات منسوخ شده است.

در سیستم یک بحث بازخورد داریم که این بحث به دو شکل حاصل می‌شود؛ یکی کاربرد اصطلاحنامه در بحث ذخیره و ارزیابی اطلاعات و استفاده‌ای که اصطلاحنامه در نمایه‌سازی دارد و همین‌طور در ارزیابی اصطلاحات و یک بحث دیگر مسائل مرتبط با نقد و بررسی و ارزیابی اصطلاحنامه‌هاست.

در این جلسه اصطلاحنامه‌های حوزه علوم اسلامی نقد و بررسی می‌شود. بنابراین جایگاه این جلسه در بحث بازخورد در اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی است. نتایج حاصل از ارزیابی در دو وضع خودش را نشان می‌دهد. در وضع اول، وضع مطلوب است که انطباقی اصطلاحنامه با استانداردهاست و وضع موجود که عدم انطباقی اصطلاحنامه با استانداردهاست. در این مقوله از تفاضل وضع موجود و وضع مطلوب باید نتیجه صفر حاصل شود. در یک نتیجه صفر است که ما یک سیستم با بازخورد منفی را خواهیم داشت، یعنی سیستم ما یک سیستم بازخورد منفی است. یک سیستم با بازخورد منفی در ارزیابی اصطلاحنامه‌ها به این شکل عمل می‌کند که ما یک ورودی مرجع^۱ داریم، یک خطای سیستم^۲ داریم و همین‌طور یک بازخورد داریم که با B نشان داده می‌شود و یک مرحله جمع منطقی داریم که با منفی و مثبت در تصویر می‌بینید و در اینجا باید تفاضل وضع موجود از وضع مطلوب به صفر برسد که این بهترین نتیجه برای ارزیابی خواهد بود. یک مثال عرض می‌کنم. پنج توصیفگر وارد تیمی می‌شود که اصطلاحنامه‌ها را تحلیل می‌کنند. برای چهار توصیفگر روابط تعیین می‌شود و در جایگاه خاص خود در شبکه اصطلاحات قرار

دکتر امیرحسینی

حرکت از وضع موجود به سمت وضع مطلوب، حرکت در برقراری تعاادل در نظام اصطلاحنامه‌ها که در وضع صفر تعادل برقرار است و ثبات در هدف از طریق رعایت استاندارد است

مراتبی است و این وسیله سنجشی شده است تا میزان انسجام و یکپارچگی یک رشته را بر اساس اصطلاحنامه آن رشته بشناسیم. آریک^۴ یکی از اصطلاحنامه‌هایی است که دقیقاً چهره رشته تعلیم و تربیت^۵ را نشان می‌دهد، تعلیم و تربیت حوزه‌ای چند رشته‌ای است و این چهره را دقیقاً می‌توان در اصطلاحنامه آریک دید. برای اینکه بیشترین روابط معنایی در این اصطلاحنامه از نوع وابسته است، ارتباط وابسته یعنی ارتباطی که ما نتوانسته‌ایم سلسله مراتب برای آن تعریف کنیم، ولی معتقد بوده‌ایم که رابطه دارند. بسیاری از رشته‌های علوم پایه را می‌توان یافت که از نظر سلسله مراتبی روابط غنی‌تر از روابط وابسته دارند.

دکتر امیرحسینی: از آقای دکتر حری که به مقوله هستی‌شناسی اشاره فرمودند، می‌خواهم که برای اطلاع بیشتر، درباره هستی‌شناسی یا هستی‌نگاری در اصطلاحنامه‌ها هم مطالبی را ارائه بفرمایند. از آقای دکتر یعقوب‌نژاد تقاضا می‌کنم که درباره پیشینه تدوین اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی دیدگاه‌های خود را ارائه بفرمایند.

دکتر یعقوب‌نژاد: بحث نمایه‌سازی در حوزه علمیه قم برای اولین بار در سال‌های ۶۷، ۶۸ و ۶۹ در مرکز تحقیقات و مطالعات اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی مطرح شد. در آن زمان دسترسی به اطلاعات مطبوعات برای حوزویان، از جمله مباحث سیاسی و اجتماعی، خیلی مهم بود و دفتر تبلیغات با توجه به جایگاه اجتماعی‌اش در حوزه و نقش پیونددهنده‌ای که بین نظام و حوزه را بر عهده دارد، به این نتیجه رسید که باید مطبوعات را در یک برنامه منظمی کلاسه‌بندی و دسترسی حوزویان را به اطلاعات مطبوعات کشور فراهم کند. آن زمان بحث نمایه‌سازی مطرح شد. این عنوان و موضوع برای حوزویان خیلی ناشناخته بود و اولین مؤسسه‌ای که اقدام به این کار کرد، این مرکز بود. بنده آن وقت یک نمایه‌ساز بودم و به این برنامه‌ها علاقه داشتم. از همان ابتدا بحثی که وجود داشت این بود که ما چطور باید نمایه‌سازی کنیم و به‌طور کلی نمایه‌سازی چه مقوله‌ای است. یکی از کسانی که در تفهیم این مسئله نقش داشت، آقای مهندس عمرانی بودند که با کمک ایشان نمایه‌سازی مطبوعات آغاز شد.

در سال ۶۹ به دلیل مزایایی که در نمایه‌سازی مطبوعات برای محققان حوزه، حوزویان و افراد دیگر از بانک اطلاعات دفتر تبلیغات وجود داشت. روش ما اینگونه بود که وقتی که مقاله‌ای را در روزنامه‌ای می‌خواندیم، چکیده و عنوانی برای آن تهیه می‌کردیم و چند کلیدواژه برای آن اختصاص می‌دادیم و در بانک اطلاعات عرضه می‌شد و

آیا این هستی، هستی ذهنیت تدوین‌کنندگان است یا هستی خود آن رشته؟ کجا می‌توان با این قاطعیت یکی را بر دیگری منطبق دانست. تحقیقات زیادی در این زمینه انجام شده است. به‌رغم این تحقیقات جانبی که هدف اصطلاحنامه نبودند، اتفاقاتی افتاد در باب اینکه تا چه حد زبان کنترل شده قادر است با مخاطب ارتباط برقرار کند، آیا می‌تواند آنچه را که مخاطب دنبال آن است، به‌دست بیاورد.

آقای دکتر امیرحسینی به آن معادله‌ای که بین وضع موجود و وضع مطلوب قرار دارد، اشاره کردند و آن اینکه اگر هر پنج توصیفگر نوین وارد اصطلاحنامه شد، باید دقیقاً جا پیدا کند و این یک مزیت تلقی می‌شود. این بسیار مطلوب است، اما نکته اساسی این است که زبان کنترل شده چون بعد از تولید آثار علمی فراهم می‌شود، تقریباً می‌توان گفت که ما هرگز به چنین دستاوردی نمی‌رسیم، مگر اینکه توصیفگرهایی که وارد نظام می‌کنیم، نسبت به تولید منابع عقب باشند، والا خاصیت اصطلاحنامه این است که دنباله‌رو مفاهیم جدید است که در آثار علمی پدید می‌آید. بنابراین، بسیار مطلوب است که ما اصطلاحنامه‌ای داشته باشیم که تفاضل آنها صفر باشد، باید از نظر تکنیک و افزودگی از منظر تولید به منظر اصطلاحنامه صورت بگیرد تا بتواند چنین چیزی را ادعا کند. به هر حال از آنجا که آقای امیرحسینی به مطلوب‌ها تکیه دارند و بسیار خوب هم هست، خود به خود نظری که ایشان دارند می‌تواند موجب طرح اندیشه‌ای شود درباره اینکه چه کنیم که این فاصله را به صفر برسانیم و چگونه می‌توان اصطلاحنامه‌ای هم‌زمان با تولید آثار به وجود آورد. در باب اینکه اصطلاحنامه یک سیستم است کاملاً حق با ایشان است، اصطلاحنامه یک سیستم است و دلیل اصلی آن هم این است که اصطلاحنامه، در قیاس با سرعنوان موضوعی بسیار موفق‌تر بوده که خود را با محیط جدید الکترونیکی سازگار کند. این به دلیل همان نظام‌مند بودن آن است. این انضباطی که در اصطلاحنامه وجود دارد، سبب می‌شود به راحتی با محیطی که جز با انضباط نمی‌تواند سر و کار داشته باشد، سازگار باشد. عمر اصطلاحنامه بسیار کمتر از عمر سرعنوان موضوعی است، ولی اصطلاحنامه خیلی راحت‌تر توانست، به دلیل همین ویژگی، خود را با محیط جدید سازگار کند.

اصطلاحنامه از جمله منابعی است که دو چیز را می‌توان از آن استنباط کرد، یکی اینکه تا چه حد تدوین‌کنندگان قادر بوده‌اند آنچه را که در آن رشته وجود دارد، منعکس کنند و دوم اینکه آنچه منعکس شده چه چهره‌ای از آن رشته عرضه می‌کند. زیرا همه روابط هم‌بسته، هم‌ارز و سلسله مراتبی از نوع معنایی هستند. ولی آن رابطه‌ای که انسجام مفهومی را در یک اصطلاحنامه نشان می‌دهد، رابطه سلسله



دکتر یعقوب نژاد
اصطلاحنامه علوم اسلامی از ۱۳۷۱ مطرح شد و
تاکنون اصطلاحنامه‌های پنج حوزه تخصصی علوم
قرآنی تدوین و منتشر شده است

به سمت اصطلاحنامه علوم اسلامی حرکت کنیم و اگر قرار است که منابع اسلامی را به صورت تخصصی سازماندهی و دسترسی به اطلاعات دینی خود را فراهم کنیم، باید اصطلاحنامه‌های تخصصی ایجاد شود و این کار کاملاً بنیادی و جدیدی بود، زیرا منابعی وجود نداشت که ما ترجمه کنیم. از این رو اصول کار باید شناسایی می‌شد، اینکه مبانی اصطلاحنامه نویسی چیست و چطور باید اصطلاحنامه بنویسیم که موجب ایجاد دغدغه‌هایی نشود. طبق فرمایش آقای دکتر حری، اریک یکی از اصطلاحنامه‌هایی بود که از نظر موضوعی به کار ما خیلی نزدیک بود و ما آن را بسیار مورد مطالعه قرار دادیم. مقدمه‌های اصطلاحنامه‌های اریک و یونسکو ترجمه و بررسی شد و بعد از آن دستنامه‌ای به نام ساختار اصطلاحنامه علوم اسلامی زیر نظر دکتر حری تهیه شد که یک برنامه آموزشی بود. این دستنامه دست‌نوشته‌های ایشان شامل تذکرات و یادداشت‌هایی بود.

اصطلاحنامه علوم اسلامی از ۱۳۷۱ مطرح شد و تاکنون اصطلاحنامه‌های پنج حوزه تخصصی علوم قرآنی - که در ۱۳۷۶ منتشر شد فلسفه اسلامی (دو جلد) - که فقط بخش‌هایی آن ارائه شد منطق، اصول فقه و کلام اسلامی (دو جلد) تدوین و منتشر شده است. اصطلاحنامه اخلاق اسلامی دو سال است که در انتشارات است و هنوز چاپ نشده، اصطلاحنامه علوم حدیث تمام شده و در حال انتشار است، اصطلاحنامه فقه در حال تدوین است که ان‌شاءالله امسال تمام خواهد شد و اصطلاحنامه‌های دیگر از جمله حقوق، وقتی فقه را تدوین کردیم، متوجه شدیم که مجموعه‌ای از اصطلاحات در منابع دینی امروز ما وجود دارد که در حوزه حقوق قرار می‌گیرند. همان زمان علاوه بر کلام قدیم، رده‌ای را به نام اصطلاحات مسائل جدید کلامی باز گذاشتیم که اصطلاحات کلام جدید در همان رده قرار خواهد گرفت. اصطلاحنامه عرفان هم یکی از برنامه‌های ماست که به دلایلی آن را به تأخیر می‌اندازیم.

دکتر امیرحسینی: از خانم رهادوست که از صاحب‌نظران حوزه اصطلاحنامه‌نگاری هستند و در حوزه علوم پزشکی اصطلاحنامه‌هایی تدوین کرده‌اند، تقاضا می‌کنم در ارزیابی ساختاری اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی دیدگاه‌های خودشان بیان کنند.

رهادوست: سلام و سپاس از کسانی که این نشست را برگزار کردند. در اینجا من دلایل ویژه‌ای برای این سپاسگزاری دارم که مایلم مطرح کنم. در سال ۱۳۶۵ من در دانشگاه علوم پزشکی ایران، مطالعاتی آزمایشی دربارهٔ مش^۶ فارسی انجام دادم، و از آقای دکتر حری و

محقق این اطلاعات را می‌گرفت و برای دیدن اصل آن به خانه مطبوعات مراجعه می‌کرد. با گذشت زمان به این نتیجه رسیدند که این کار مفیدی است و نمایه‌سازی مجلات اسلامی در ۱۳۶۹ به این کار اضافه شد.

در مرحله بعد بحث نمایه‌سازی مجموعه آثار از جمله مجموعه آثار شهید مطهری، علامه حسن‌زاده، آیت‌الله جوادی آملی و مقام معظم رهبری، در زمان ریاست جمهوری، و شخصیت‌های دیگر مطرح شد. دغدغه‌ای که ما در عمل داشتیم این بود که محققان فقط به عنوان و چکیده قانع نمی‌شدند و باید در بانک مطبوعات به اصل متن را جست‌وجو می‌کردند؛ ما وقتی در برنامه، سیاهه‌ای از لغات و کلیدواژه‌های مورد نظر محقق را به او نشان می‌دادیم، او انتخاب می‌کرد و می‌فهمید درون این متن چه چیزی وجود دارد. زیرا برای آن چکیده ساخته بودیم و خود متن موجود نبود و برای او مشکل بود که متن را در جای دیگری پیدا کند. بنابراین به این نتیجه رسیدیم که باید متن هم ضمیمه شود و به همین دلیل به مجموعه آثار بزرگانی که اشاره کردم، روی آوردیم و اولین مجموعه آثاری که به صورت تمام متن ارائه شد، مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری بود که بعدها هم به عنوان نرم‌افزار مطهر ارائه شد. البته از نظر فنی اشکالات فراوانی دارد، ولی با توجه به اینکه مجموعه آثار شخصیتی مثل شهید مطهری یعنی ۶۸ جلد کتاب را در برمی‌گرفت، زمانی که حروفچینی و بر اساس منطق ترازوسی و اصطلاحنامه‌ای نمایه‌سازی گردید. همچنین از زبان کنترل شده در آن استفاده شد، بسیار مورد استفاده قرار گرفت و محققان بسیار اظهار علاقه می‌کردند و بسیاری از محققان حوزوی و غیرحوزوی در مقالات، تحقیقات و پایان‌نامه‌های خود از این نرم‌افزار بهره می‌گرفتند. تکامل کار نمایه‌سازی در مرحله بعدی این بود که ما به صورت تخصصی وارد حوزه‌های علوم اسلامی شدیم، که اینجا این سؤال مطرح شد که آیا باید به همین شکل پیش رفت. مطالعات فراوانی در این زمینه صورت گرفت و مشاوره‌های فراوانی از برخی از استادان گرفتیم.

آقای دکتر حری در اجلاس کاملیس که دبیر آن بودند، به بنده فرمودند که دربارهٔ اصطلاحنامه علوم اسلامی مقاله‌ای بنویسیم که به ایشان بگفتم شما که بهتر از بنده از مراحل و جریان کار خبر دارید. شما مقاله را بنویسید، ولی ایشان گفتند که شما بنویسید تا اثبات شود که حوزویان هم در این مقوله‌ها می‌توانند کار کنند و کار کردند. وقتی به آنجا رفتیم، متوجه شدیم که تا به حال کسی در حوزه علوم اسلامی اصطلاحنامه‌ای تدوین نکرده است.

طبق مطالعاتی که انجام شد ما به این نتیجه رسیدیم که باید



البته ارزیابی دقیق و جامع یک اصطلاحنامه باید بر اساس استانداردها صورت بگیرد. شاید لازم باشد کاری شبیه کار خانم مریم کارزانی که درباره چند اصطلاحنامه انجام دادند، انجام شود. یعنی استانداردهای جدید ایزو به عنوان معیار در نظر گرفته شود و اصطلاحنامه علوم اسلامی از نظر روابط معنایی و نحوه ارائه به دقت بررسی و ارزیابی شود. به هر حال من سعی کردم مقدمه‌ها را دقیقاً مطالعه کنم، چون مقدمه یک اصطلاحنامه، مقدمه یک کتاب معمولی نیست و اهمیت ویژه‌ای دارد.

در بررسی‌هایی که کردم، به چند نکته رسیدم که در این فرصت کم آنها را به صورت گذرا و فهرستوار عرض می‌کنم: اول اینکه مقدمه این اصطلاحنامه‌ها از سه فصل تشکیل شده است. ابتدا به طور کلی درباره اصطلاحنامه بحث شده، در فصل دوم درباره اصطلاحنامه علوم اسلامی است و فصل سوم هر مقدمه آن اصطلاحنامه خاص می‌پردازد. این یک تقسیم‌بندی بسیار معقول و منطقی است. اگرچه در مقایسه اصطلاحنامه‌های قدیمی با اصطلاحنامه‌های جدید، به نظرم رسید مقدمه اصطلاحنامه‌های جدید روان‌تر و بهتر بودند و مطالب غیرضروری حذف و مختصر و مفیدتر شده است. اما همین مقدمه‌های اصطلاحنامه‌های جدید اشکالاتی دارد: در بخش ۲-۱ و ۲-۲ مقدمه اصطلاحنامه منطق آنجا که اهداف اصلی و اهداف کاربردی آمده است، معمولاً اصلی را در مقابل فرعی یا ویژه و بنیادی و نظری را در مقابل کاربردی قرار می‌دهند. اما بحث من این است که دیدم بسیاری از مطالبی که در بخش کاربردی گفته شده، یعنی اهداف کاربردی اصلی هستند و این اشکال منطقی ایجاد می‌کند. چون در اینجا کاربردی، تلویحاً به معنی غیر اصلی است. در صورتی که واقعا اینطور نیست و دیدیم برخی از مطالب کاربردی است، بسیار مهم و اصلی هستند و این تقسیم‌بندی، به خصوص در اصطلاحنامه منطق کمی بر خلاف انتظارم بود. حتی در شکل ارائه مطالب در قسمت کاربردی هم به نظرم اشکالی وجود دارد، مثلاً مواردی که ۱ و ۲ و ۳ گذاشته بودند، از نظر ساختاری هم‌سرخ

خانم سلطانی، آقای سینیایی و چند تن از متخصصان علوم پزشکی بازخورد گرفتیم. طبق فرمایش دکتر یعقوب‌نژاد در سال ۶۸ در قم مرکز تحقیقاتی کار نمایه‌سازی را آغاز کرد. در سال ۷۲ اولین مش فارسی بنده چاپ شد. در نخستین سال‌های دهه ۷۰ اصطلاحنامه نما کار خانم بهشتی و همکاران ایشان منتشر شد. شما به این سال‌ها، از ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۶، توجه کنید که تقریباً بیش از دو دهه بیشتر است. در این مدت بنده، آقای دکتر یعقوب‌نژاد و خانم بهشتی تا به حال یکدیگر را ملاقات نکرده بودیم و امروز روزی تاریخی است و اتفاق مبارکی است که کسانی که در حوزه مشترکی کار می‌کنند، بعد از ۲۰ سال همدیگر رامی‌بینند!

و اما اصطلاحنامه علوم اسلامی که چندی پیش به دست من رسیده و در فرصت کمی که داشتم به بررسی آن پرداختم. البته سعی کردم بررسی‌ام سطحی نباشد هرچند ممکن است نکته‌هایی هم از چشم من گذشته باشد. در همین مدت کوتاه که این اصطلاحنامه‌ها را بررسی می‌کردم، احساس کردم کار بزرگی انجام شده است. زیرا ما که در کار اصطلاحنامه هستیم، می‌دانیم که کار چقدر بزرگ و سنگین است و در دسر دارد و به نظر من به چند دلیل باید به آنها تبریک گفت. دلیل اول اینکه کار با برنامه‌ریزی بوده است، چیزی که در کشور ما امتیاز بزرگی محسوب می‌شود. دومین دلیل اینکه کار در اجرا، روش‌مند، هدف‌مند و منظم انجام شده است. سومین دلیل این است که از نظر متخصصان رشته، آقای دکتر حری، سعی شده استفاده شود و به تخصص احترام گذاشته شده و این امتیازی است که این روزها کمتر دیده می‌شود. چهارمین دلیل این است که تلاش شده اصول اصطلاحنامه‌سازی به طور عمیق مطالعه شود، یعنی کار در عمق بررسی شده و سطحی برخورد نشده است. و پنجمین دلیل تحسین من این است که به نظرم رسید متولیان این کار وقت، نیرو، انرژی و حتی عشق بر سر این کار گذاشتند و این برداشت من از مطالعه این چند جلد در طول چند روز بود.



دکتر حری خاصیت اصطلاحنامه این است که دنباله‌رو مفاهیم جدید است که در آثار علمی پدید می‌آید

تهیه کنند و برای تهیه اصطلاحنامه منابعی را تهیه و نمایه‌سازی کردند که بتوانند از آن فیدبک بگیرند؟ این مطالب برای من روشن نبود. نکته دیگر اینکه در بخشی آمده بود که تدوین‌کننده احتیاج داشته که به منابع مراجعه مکرر داشته باشد، که منابع هم در پایان کتاب ۴۳ عنوان ذکر شده اما اصلاً ذکر نشده بود که این منابع را چه کسانی و بر اساس چه معیاری انتخاب کرده‌اند. اگر معیار انتخاب این ۴۳ منبع این بوده که اصطلاحنامه منطبق تهیه شود، چون نام اصطلاحنامه منطبق است، قاعدتاً باید منابع غیرفارسی و منابع جدید منطبق هم در این منابع می‌بود. با اینکه منابع در جای خود ارزشمندند، ولی شما برای مثال بازتاب آن را در خود اصطلاحنامه می‌بینید که اسم اصطلاحنامه منطبق است، ولی نه از منطبق فازی، نه از منطبق دو دویی، نه از منطبق بول و نه منطبق جدید اثری نمی‌بینید. این مسائل باید روشن شود. اگر دلیل منطقی هم وجود دارد، چون ذکر نشده، برای من خواننده روشن نیست که چرا در یک اصطلاحنامه منطبق چنین چیزهایی پیدا نمی‌شود. انسان به این فکر می‌افتد که شاید قرار بوده مطالب این اصطلاحنامه فقط مورد تأیید یک عده متخصص خاص که در حوزه هستند، باشد که قطعاً نباید اینگونه باشد به دلیل اینکه چنین دیدگاهی با آن پشتوانه‌های تاریخ تمدن ما در دوران درخشان اسلامی منافات دارد. اگر قرار است اصطلاحنامه منطبق تهیه کنند، حتی اگر در دل ماکروتزاروس علوم اسلامی باشد، جا دارد مفاهیم نوین منطبق در این اصطلاحنامه باشد.

در پایان مایلم از همین تریبون اعلام کنم که با توجه به اینکه کسانی که در این رشته حضور دارند، بیش از دو دهه است، فعالیت می‌کنند و امروز برای اولین بار همدیگر را ملاقات کردند، برای رفع این شکاف ارتباطی در حوزه اصطلاحنامه‌سازی باید فکری کرد. اگر کتابخانه ملی نمی‌تواند مسئولیت هماهنگ‌سازی اصطلاحنامه‌سازان در ایران را عهده‌دار شود، پیشنهاد من این است که صاحب‌نظران رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی که به صورت نظراً و عملاً در حوزه اصطلاحنامه‌سازی کار کرده‌اند، امروز در فکر باشند و بنیاد انجمن اصطلاحنامه‌سازان ایران را بریزند و این نهاد ایجاد شود، به این دلیل که کم‌ترین فایده این نهاد این است که ما می‌توانیم بیشتر به هم کمک کنیم و بیشتر هم‌اندیشی داشته باشیم و کسانی که مایلند در این حوزه کار کنند و کار می‌کنند، می‌توانند با هم ارتباط برقرار کنند و برای بهتر کردن کارها تعامل سازنده و مثبتی داشته باشند.

دکتر امیرحسینی: از خانم بهشتی که زحمات بسیاری در اصطلاحنامه‌نگاری و تدوین اصطلاحنامه‌های تخصصی در پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی

نبودند و در جایی به صورت مصدر آمده و در جای دیگر به صورت جمله و جایی به صورت کلیدواژه در فصل دوم مقدمه در بخش ۱-۱ گفته شده که نمایه‌سازی بر اساس ساختار اصطلاحنامه پیشنهاد شده است. در اینجا منظور نمایه‌سازی کنترل شده بوده است، ولی دلایلی برای برتری نمایه‌سازی کنترل شده ارائه گردیده که این دلایل هیچ ارتباطی با آن موضوع ندارد. چون تعریف نمایه‌سازی است نه دلایل ترجیح نمایه‌سازی کنترل شده. ما وقتی می‌خواهیم برای یک چیز خاص دلیل بشماریم، باید دلایل دقیقاً درباره همان مطلب باشد، نه اینکه بگوییم نمایه‌سازی چه کاربردی دارد، در حالی که بحث ما درباره نمایه‌سازی کنترل شده است. در همین فصل در قسمتی اشاره شده بود که برای اماکن، افراد و اشخاص بهتر است اسمی را به همان صورتی که هستند، به کار ببریم، البته منظور اسم شهر بوده است. این برای من یک سؤال ایجاد کرد. من خودم در اصطلاحنامه پزشکی در مواردی گفتم که باید نظر متخصص را ارجح بدانیم، یعنی یک جاهایی متخصص ماهیچه می‌گوید و در جایی عضله را. ما سعی می‌کنیم تا جایی که بشود این یکدستی را ایجاد کنیم، ولی جایی که این مفهوم خلاف اصطلاح متداول آن متخصص بود، باید نظر متخصص را ترجیح بدهیم. در مورد اماکن و اسم سازمان‌ها ما چنین مسئله‌ای نداریم و قوانین مستندها را نمی‌توانیم نادیده بگیریم. چون اگر قرار باشد که مثلاً همان حوزه علمیه آنطور که من در شناسه پشت کتاب در قسمت فیبا دیدم به همان صورتی که طبیعی به نظر رسیده فهرست شود، در آن صورت مشاهده آشفستگی‌هایی خواهیم بود که قابل کنترل نخواهد بود.

ایجاد یکدستی درباره نام سازمان‌ها و نهادها یک ضرورت است و اگر قرار باشد نام‌ها به همان شکلی که هستند، ظاهر شوند، وقتی که اختلاف پیش بیاید (که می‌آید)، نمی‌توان تصمیم‌گیری کرد و بازبایی دچار مشکل خواهد شد. البته شاید مؤلف محترم پاسخی داشته باشند، ولی در مقدمه به من منتقل نشد، شاید به این دلیل که ترمینولوژی به کار رفته در این اصطلاحنامه، ترمینولوژی اصطلاحنامه‌سازی نیست. شما در لا به لای بندها می‌بینید که مفاهیم کار ما در آن هست، ولی مثلاً مجموعه‌ای از اصطلاحات داریم مثل پشتوانه انتشاراتی که بسیار اولیه و جا افتاده است یا پشتوانه کاربران یا یک سری اصطلاحات اصطلاحنامه‌سازی که من به طور کلی اصلاً پیدا نکردم.

نکته‌ای که برای من مورد سؤال برانگیز بود، این بود که پشتوانه انتشاراتی این اصطلاحنامه چه منابعی بوده‌اند، آیا الکترونیکی بوده‌اند یا چاپی و یا هر دو؟ آیا پشتوانه انتشاراتی به قصد نمایه‌سازی تهیه شده است یا از اول منابعی بوده و بعد تصمیم گرفته‌اند که اینها را نمایه‌سازی کنند و آیا ابتدا تصمیم گرفتند که اصطلاحنامه منطبق را

دکتر حری عمر اصطلاحنامه بسیار کمتر از عمر سرعنوان موضوعی است، ولی اصطلاحنامه خیلی راحت تر توانست خود را با محیط جدید سازگار کند

کشاورزی^۱ ارائه دادیم. این اصطلاحنامه متأسفانه در ایران اصلاً شناخته شده نیست، ولی روی سایت فائو قرار گرفته و ما در همین مدت کوتاه ایمیل‌های بسیاری داشتیم که به عنوان اولین کار در زبان فارسی هم تشکر کرده بودند و هم پیشنهادهایی ارائه شده بود.

در زمینه مسائل زبان‌شناختی اصطلاحنامه علوم اسلامی همان طور که خانم رهادوست فرمودند، در مقدمه آمده که دست‌اندرکاران از «استاندارد ۲۷۸۸»، استاندارد تدوین اصطلاحنامه تک‌زبانه استفاده کرده‌اند و من اضافه می‌کنم که «استاندارد ۵۹۶۴» را هم ما برای چندزبانه استفاده کردیم و پیشنهاد می‌کنم که برای آینده اصطلاحنامه علوم اسلامی از این استاندارد استفاده کنند و ان‌شاءالله بتوانیم این اصطلاحنامه را در سطح دنیا و به‌صورت بین‌المللی و حداقل در سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی داشته باشیم. در اینجا مسئله اصلی کنترل واژگان مطرح می‌شود. یعنی بعد از اینکه ما نرم‌افزار را تهیه و تدوین کردیم و استاندارد شد و نیز جمع‌آوری واژگان بر اساس پایگاه اطلاعاتی انجام شد، کنترل شکل ظاهری اصطلاح از لحاظ دستوری، املائی، جمع و مفرد، اختصارات، واژه‌های جمع و مرکب، گزینش بین دو یا چند مترادف و تصمیم درباره پذیرش و نحوه برخورد با انواع واژگان خاص مسئله مهمی است.

یکی از مشکلات همه دست‌اندرکاران تدوین اصطلاحنامه، واژه‌های قرضی است که به زبان وارد شده است و فکر می‌کنم که در اصطلاحنامه علوم اسلامی هم واژه‌های قرضی از زبان عربی وجود دارد و گاهی مشاهده می‌شود که کل عبارت عربی است و هیچ نوع معادل فارسی برای آن در نظر گرفته نشده است و علت آن این بوده که بین متخصصان موضوعی کاملاً متداول بوده و این نیاز احساس نشده که برای آن معادل فارسی بگذارند. یکی از دغدغه‌های ما در علوم پایه این بود که مهندسان و متخصصان علوم پایه ترجیح می‌دهند که از زبان انگلیسی استفاده کنند و به زبان فارسی علاقه زیادی ندارند، ولی ما تأکید بر این داشتیم که معادل‌های فارسی را وارد کنیم، تا از این طریق و با همکاری فرهنگستان بتوانیم معادل‌های فارسی را تعمیم دهیم.

یکی از مشکلات در اصطلاحنامه‌نگاری این بود که واژه‌هایی که فرهنگستان معادل‌گذاری می‌کرد، متداول نبود. به همین منظور ما اصلی را برای خود قرار دادیم و آن این است که واژه‌ای را که ما به‌عنوان معادل به کار می‌بریم متداول باشد و بسامد بالایی در بین کاربران اطلاعاتی ما داشته باشد. تشخیص دادیم که واژه‌هایی را که متداول نیستند و برای کاربران ناآشنا هستند، در ارجاعات قرار دهیم، ولی حتماً معادل فارسی آن را در اصطلاحنامه بگذاریم. در

متحمل شدند، تقاضا می‌کنم که در بررسی زبان‌شناختی اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی دیدگاه‌های خود را ارائه فرمایند.

حسینی بهشتی: قبل از هر چیز می‌خواستم از همکاران و استادان محترم در حوزه علمیه قم و مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی که زحمات بسیاری متحمل شدند، تشکر کنم. چون خودم حداقل ده سال دست‌اندرکار بودم و به مطالعه و تحقیق در این زمینه پرداختم و سعی کردم که راه‌حلی برای ساماندهی واژگان بانک‌های اطلاعاتی پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ارائه کنم و به‌عنوان عضو کوچکی از یک گروه بزرگ ۳۰ نفره که با بنده همکاری داشتند، معتقد بودم که هر رشته تخصصی را باید متخصصان موضوعی آن رشته بررسی کنند و در تدوین اصطلاحنامه‌ها متخصصان موضوعی باید پیشگام باشند و در کنار آنها زبان‌شناسان و اطلاع‌رسانان قرار می‌گیرند.

البته ما برخی از اصطلاحنامه‌ها را صرفاً ترجمه و برخی دیگر را تألیف کردیم و به همین دلیل است که می‌گویم زحمات فراوانی را که استادان محترم در حوزه علمیه کشیدند، کاملاً بارز است، به این علت که تدوین اصطلاحنامه بسیار مشکل‌تر از ترجمه و تألیف آن است. ترجمه اصطلاحنامه ابتدا با اصطلاحنامه اسپاین شروع شد که تدوین یونسکو بود و از لحاظ ساختاری مشکلاتی داشت که البته همه اینها به پای ما گذاشته شد و اشکالاتی که از لحاظ نرم‌افزاری پیش آمد و متأسفانه یکی دو مشکل عمده که باعث تدوین نقدی بر این اصطلاحنامه شد. من اصلاً گلایه نمی‌کنم، واقعاً برای من راهگشا بود. اما انتظار داشتیم که استادان گرامی ما را راهنمایی و همراهی کنند. آن نقد باعث شد که به این فکر بیفتیم که به‌طور کل برای رشته‌های علوم پایه، مهندسی و کشاورزی، که بیشترین اطلاعات و مدارک ما در این زمینه به مرکز اطلاعات می‌رسید، فکر اساسی کنیم. به همین منظور وقتی که آقای دکتر بودین، نماینده اینفوترن و سازمان یونسکو، اصطلاحنامه‌نما را بررسی کردند، اشکالات آن را بیان و ما را راهنمایی کردند و علت آن هم این بود که خانم او فارسی‌زبان بود و می‌توانست آن را بررسی کند. ما تصمیم گرفتیم که در رشته‌های مختلف به‌صورت انفرادی کار کنیم. به همین منظور علوم پایه را آغاز کردیم و تا الآن توانستیم در همه این رشته‌ها اصطلاحنامه‌ای برای رفع نیاز پژوهشگاه تدوین و ترجمه کنیم و ارائه دهیم. اگرچه بدون نقص نیست و من خوشحال می‌شوم که همکاران عزیز و استادان محترم ما را در این زمینه راهنمایی کنند. اصطلاحنامه کشاورزی آگروک^۲ را هم ترجمه و تدوین کردیم و به سازمان خوار و بار و



رها دوست

ایجاد یکدستی درباره نام سازمان‌ها و نهادها یک ضرورت است و اگر قرار باشد نام‌ها به همان شکلی که هستند، ظاهر شوند، وقتی که اختلاف پیش بیاید (که می‌آید)، نمی‌توان تصمیم‌گیری کرد و بازبایی دچار مشکل خواهد شد

تجزیه کرد؟ مگر در موارد خاص چون در برخی جاها سوء تعبیر می‌شود و نمی‌توان این کار را انجام داد. ولی در بسیاری از موارد تا آن حد که من معلومات دارم می‌توان آنها را تجزیه کرد.

کدگذاری مدخل‌های واژگانی باید بر اساس منابع مورد استفاده صورت بگیرد، ما سعی کردیم در اصطلاحنامه‌ها این کار را انجام دهیم، چون یکی از سؤال‌هایی که مطرح می‌شود این است که این معادل را از کجا آورده‌اید؟ اگر این کار صورت گرفته باشد، به‌عنوان پشتوانه اصطلاحنامه به‌راحتی قابل دسترسی است. نکته بسیار مهم دیگر تغییر نامگذاری مفاهیم بر اساس تاریخ تحول مفاهیم به‌ویژه در علوم و فقه شیعه باید مشخص شود و حداقل در فایل‌های جداگانه‌ای مرتبط با اصطلاحنامه ثبت شود، زیرا استاندارد می‌کند که در این زمینه هست، استاندارد ام‌سی^{۱۰} است که اشاره می‌کند شما می‌توانید آن را به‌عنوان فایل مجزا ثبت و نگهداری کنید و اصطلاحات منسوخ شده و اصطلاحاتی را که الآن به کار می‌رود و حتی دلایل آن را می‌توانید ثبت کنید. در کشور آلمان این کار را انجام می‌دهند و حتی در حوزه حقوق، علوم سیاسی و اقتصاد هم این کار را انجام داده‌اند. ولی من به‌خصوص در علوم اسلامی فکر می‌کنم که خیلی مهم است که در چه تاریخی یک مفهوم نامگذاری شده و در چه تاریخی این نامگذاری تغییر کرده و چرا این تغییر ایجاد شده است.

پیشنهاد دیگر من این است که داوران و متخصصان موضوعی هر رشته در سطح حوزه و دانشگاه برای رفع اشکالات، اصطلاحنامه را نقد و بررسی و پیشنهادها خود را، چه از نظر معادل‌های فارسی و مهم‌تر از آن از نظر روابط مفهومی ارائه کنند. البته دیدگاه‌ها متفاوت است حتی در علوم پایه هم که ما کار می‌کنیم، دیدگاه دانشمندان متفاوت است. برخی از موارد می‌بینیم که اعم و اخص را هر کس از دیدگاه خودش انجام می‌دهد. ولی به‌طور کل ۹۰ درصد اینها مشترک هستند و می‌توانیم این کار را انجام دهیم. در نهایت تدوین نرم‌افزار مورد نیاز خود این سیستم است که ان‌شاءالله بتواند از لحاظ ساختاری مشکل آن حل شود و نظم مفاهیم را به‌طور کامل تعیین کند.

دکتر امیرحسینی: اگر اجازه بدهید من در جایگاه منتقد در این جلسه سه سؤال خود را مطرح کنم. اولین مسئله درباره تحلیل کمی پیوستگی، وابستگی و انسجام در اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی است. در این مقوله سنجه‌های آماری و رسای کمی وجود دارد. این سنجه‌های آماری در پایان‌نامه بنده تحت عنوان «عوامل کمی و کیفی مؤثر در نظام ذخیره و بازبایی اطلاعات در اصطلاحنامه‌های فارسی» مد نظر قرار گرفته است که نسبت پیوستگی^{۱۱} اولین نسبت است که در ۱۳۶۸ توسط کوچن

اصطلاحنامه علوم اسلامی هم باید چنین کاری انجام شود. اگر چه کار مشکلی است، چون اساتید حوزه بیشتر زبانشان عربی است و به‌راحتی از آن استفاده می‌کنند و شاید لزومی نداشته باشد که برای آن معادل‌سازی کنند، اما من فکر می‌کنم ما برای نسل آینده باید نهایت تلاش خود را بکنیم.

پیشنهاد دوم من این است که استادان حوزه با استادان دانشگاه‌ها، از طریق مرکز نشر دانشگاهی یا فرهنگستان زبان و ادب فارسی ارتباط مستقیم داشته باشند. همین موضوع حقوق که آقای دکتر فرمودند، در حال حاضر در دانشگاه تهران کار می‌شود. استادان گروه حقوق در حال تدوین اصطلاحنامه‌ای هستند، تقسیم‌بندی علوم و زیرمجموعه‌های آن را هم انجام داده‌اند و نرم‌افزار آن را هم در اختیار گرفتند و بهتر است که این دو بخش بر اساس پیشنهاد خانم رها دوست به هم متصل شوند و از تجارب یکدیگر استفاده کنند. برای اینکه واژه‌های فارسی در سطح حوزه و دانشگاه متداول، استاندارد و یکسان‌سازی شود و مهم‌تر اینکه بتوانیم در آینده با کمک استادان دانشگاه اصطلاحنامه چند زبانه علوم اسلامی را تهیه کنیم.

به نظر می‌رسد که در بسیاری از موارد مدخل واژگانی که به کار برده شده نیاز به یادداشت دامنه دارد. البته در مقدمه گفته شده که یادداشت دامنه چنین و چنان است، ولی در متن چنین چیزی دیده نمی‌شود و در ویرایش‌هایی که به من داده شده، ندیدم که یادداشت دامنه داشته باشد. شاید در ویرایش‌های جدید در نظر گرفته شده باشد. پس نیاز به یادداشت دامنه و توضیحگر بیشتری دارد، به‌خصوص اگر قرار باشد در سطح عموم و نه فقط در حوزه‌ها استفاده شود. رده‌بندی سلسله مراتبی باید نظام‌مند باشد و از ابتدا سطوح تعداد واژگان اعم و اخص مشخص باشد. در استاندارد می‌کنم که ما به کار بردیم اشاره شده که سعی کنید که سه سطر پیش بروید، ولی گاهی پیش می‌آید که ابهام ایجاد می‌شود و اکثراً ما می‌توانیم این کار را انجام دهیم. اگر ارجاعات بیشتری برای اکثر مدخل‌های واژگانی ایجاد شود، بسیار مفید است. تلفیقی که قرار است از اصطلاحنامه‌ها صورت گیرد و به‌صورت کلان درآید، حداقل به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی آورده شود و من زبان آلمانی را هم به آن اضافه می‌کنم، چون در فلسفه حتماً باید زبان آلمانی اضافه شود، زیرا فکر می‌کنم فلاسفه و شرق‌شناسان بزرگ در آلمان بیشترین استفاده را از آن خواهند کرد. همچنین تا حد امکان از اصطلاحات مرکب استفاده نشود، چرا که در اصطلاحنامه علوم اسلامی ما می‌بینیم که به دلیل اینکه پیش‌هم‌آرایی مراعات و دقت بیشتری در بازبایی ایجاد شود، متأسفانه از عبارات یا کلمات مرکبی که خیلی طولانی هستند، استفاده می‌شود. آیا می‌توان این عبارات طولانی را به‌نحوی به واژه‌های ساده‌تر

رهادوست

صاحب‌نظران رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی که به صورت نظری و عملی در حوزه اصطلاحنامه‌سازی کار کرده‌اند، امروز در فکر باشند و بنیاد انجمن اصطلاحنامه‌سازان ایران را بریزند

اصطلاحات وابسته در اصطلاحنامه اصول فقه معادل ۸۹ درصد است یا به عبارت دیگر چرا دامنه کاربرد اصطلاحات وابسته در این اصطلاحنامه‌ها وسیع است. اجازه می‌خواهم سؤال دیگری را هم طرح کنم که درباره تعادل در کاربرد توصیفگر و غیرتوصیفگر در اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی است، نسبتی که در اینجا مورد تحلیل قرار می‌گیرد، نسبت تعادل است. نسبت تعادل، نسبتی است که بین توصیفگر و غیرتوصیفگر برقرار می‌شود. این نسبت در ۱۹۷۰ پیشنهاد شده است و نشان می‌دهد که باید بین استفاده از توصیفگر و غیرتوصیفگر در اصطلاحنامه‌ها تعادل باشد، پیشنهاد متری را که می‌کند به ازای هر توصیفگر حداقل یک غیرتوصیفگر باید وجود داشته باشد. نتیجه این نسبت نشان می‌دهد که اصطلاحنامه فلسفه این متر را رعایت کرده و تقریباً به ازای هر توصیفگر یک و نیم غیرتوصیفگر وجود دارد. اما مسئله این است که در مقایسه تعداد روابط اصطلاحنامه‌ای در اصطلاحنامه علوم اسلامی و مقایسه توصیفگرهایی که شامل این روابط هستند، مشاهده می‌کنید که در اصطلاحنامه فلسفه ۳۱۷۶ غیرتوصیفگر وجود دارد. این تعداد غیرتوصیفگر در ۹۰۰ توصیفگر خلاصه شده‌اند که نسبت تعادل بین توصیفگر و غیرتوصیفگر در اصطلاحنامه فلسفه برقرار است. اما توزیع آن را می‌بینیم که ذیل ۹۰۰ توصیفگر ۳۱۷۶ غیرتوصیفگر آورده شده، یعنی تقریباً به ازای هر توصیفگر سه اصطلاح غیرمرج قرار گرفته و ذیل سایر اصطلاحات توصیفگر مشاهده نمی‌شود. با توجه به صحت نتیجه‌ای که نسبت تعادل نشان می‌دهد، چرا ۳۱۷۶ غیرتوصیفگر در ذیل ۹۰۰ توصیفگر قرار گرفته است؟ یا به عبارت دیگر چرا حجم زیادی از غیرتوصیفگرها در ذیل شمار محدودی از توصیفگرها قرار گرفته‌اند؟

دکتر حری: آنچه خانم رهادوست در باب مقدمه اشاره کردند، به حق است و باید اجرا شود. در مجموع باید توجه داشت که این اصطلاحنامه برخلاف دیگر اصطلاحنامه‌هایی که تا به حال پدید آمده، هیچ پیشینه‌ای ندارد و تازه می‌خواهد به ترمینولوژی حوزه‌ای که چندان هم علاقه‌مند نیستند با یکدیگر توافق اصطلاحی داشته باشند، هویت ببخشند و این کار بسیار مشکلی است.

آقای امیرحسینی اشاره کردند که چرا نسبت غیرمرج بالاست. دقیقاً نسبت یک غیرمرج در یک اصطلاحنامه نشان‌دهنده عدم توافق اهل تخصص بر سر مفاهیم است و این خیلی طبیعی است. اگر تاریخچه پشت صحنه را آقای یعقوب‌نژاد اشاره کنند، تماشایی است. یعنی برای اینکه بدانند کدام اصطلاح موجه است، جلسات متعددی داشتند و بین بزرگان اختلاف رأی وجود داشت. در این حالت اگر کسی غیر از این جمع بود، کار را در میانه راه می‌کرد. زیرا استخراج

ابداع شده و پیوستگی را در شبکه اصطلاحات اصطلاحنامه مورد بررسی قرار می‌دهد، تعداد کل توصیفگرهایی که دارای ارجاع متقابل هستند، ارجاع اعم، اخص و وابسته نسبت به تعداد کل توصیفگرها سنجیده می‌شود و پیوستگی را در شبکه اصطلاحات نشان می‌دهد. دو نسبت درباره این نسبت وجود دارد که یکی نسبت خویشاوندی و دیگری نسبت انسجام^{۱۳} است. نسبت‌های مرتبط با نسبت‌های پیوستگی نسبت انسجام است که در ۲۰۰۵ توسط جناب آقای دکتر حری پیشنهاد شده است. برای اولین بار (نسبت خویشاوندی) و درصد پراکندگی^{۱۴} را هم بنده ارائه کردم و درباره این نسبت‌ها و نسبت‌هایی که در پایان نامه مذکور قرار گرفته و در خصوص آن بحث و بررسی شده با پروفسور لنگستر ارتباطاتی برقرار شد و نامه‌نگاری‌هایی صورت گرفت. خصوصاً در این قسمت پروفسور لنگستر معتقد است که درصد پراکندگی، مکمل نسبت پراکندگی است.

شیوه تحلیل به این شکل است که در درصد پراکندگی تعداد توصیفگرهای مجزا و غیرمتصل به شبکه اصطلاحات به تعداد کل توصیفگرها سنجیده می‌شود و درصد پراکندگی در اصطلاحنامه مشخص می‌شود، در نسبت انسجام تعداد توصیفگرهایی که دارای روابط اعم و اخص هستند، به تعداد کل توصیفگرها مورد تحلیل قرار می‌گیرد، یعنی هرم روابط سلسله مراتبی شکل می‌گیرد. در نسبت وابستگی تعداد توصیفگرهایی که دارای روابط وابسته هستند به تعداد کل توصیفگرها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. نتایجی که از نسبت‌های مرتبط با نسبت‌های پیوستگی در اصطلاحنامه علوم اسلامی حاصل شد، به این ترتیب است که اصطلاحنامه اصول فقه دارای کامل‌ترین نمره پیوستگی و نسبت پیوستگی در بین سایر اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی است. اصطلاحنامه منطق، فلسفه و کلام هم بیش از ۹۹ درصد پیوستگی در آنها مشاهده می‌شود که باز هم نسبت خوبی است. هیچ‌گونه پراکندگی یا توصیفگرهای مجزا و منفرد در شبکه اصطلاحات اصطلاحنامه اصول فقه وجود ندارد و تنها تعداد محدودی اصطلاحات توصیفگرهای مجزا و منفرد هستند که در اصطلاحنامه فلسفه و علوم قرآنی مشاهده می‌شوند. نسبت انسجام در اصطلاحنامه منطق، فلسفه و کلام فوق‌العاده بالا و هرم سلسله مراتبی آنها بسیار وسیع است. مسئله در نسبت وابستگی است، وابستگی در اصطلاحنامه اصول فقه با توجه به اینکه پیوستگی در آن کامل است و اصطلاحات مجزا و منفرد در آن وجود ندارد، گستره استفاده از اصطلاحات وابسته در این اصطلاحنامه ۸۹ درصد است و در سایر اصطلاحنامه‌های منطق، فلسفه و علوم قرآنی و کلام ۴۹، ۵۶، ۴۹ و ۵۲ درصد است. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود، این است که چرا میزان کاربرد



بهبشتی
پیشنهاد می‌شود در اصطلاحنامه‌های علوم اسلامی از
استاندارد ۵۹۶۴ استفاده شود تا بتوانیم اصطلاحنامه‌های
علوم اسلامی را در سطح دنیا و به صورت بین‌المللی و حداقل
در سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی داشته باشیم

همگونی از دل ناهمگونی کار بسیار دشواری است.

درباره وام واژه‌ها که خانم بهبشتی اشاره کردند، وام‌واژه‌ها دو وضع دارند. گاهی جزء بدنه زبان مقصد می‌شوند. درست است که کلمه‌ای ساخت و ریشه عربی دارد، ولی این کلمه اکنون دیگر عربی نیست. یعنی اگر در چنین نحوی که کلمه را به کار می‌بریم، زاید برای یک عرب زبان به کار ببرید، اصلاً متوجه نمی‌شود. چون هویت آن تغییر کرده است. اما اگر منظور این است که ما کلماتی را که اصطلاح علمی است، به فارسی برگردانیم، اگر قبول داشته باشیم که این زبان کنترل شده قرار است مورد استفاده نمایه‌ساز قرار بگیرد و نمایه‌ساز این کار را می‌کند که رابطه بین سیستم کاربر و سیستم اطلاع‌رسانی را برقرار کند این نقض غرض است. ما باید از معلومات کاربر نمایه برای رسیدن به یک مجهول استفاده کنیم. بنابراین باید اصطلاحاتی را به کار ببریم که او متوجه شود. طبیعی است که زبان کنترل شده هر دو اینها یعنی هم اصطلاح مرجح و هم نامرجح را به کار می‌برد که اگر شخصی از طریق نامرجح مراجعه کرد، بتواند هدایت شود. ولی اصطلاحاتی هست که در حوزه عیناً با همین شکل به کار می‌رود. خانم بهبشتی به عبارات اشاره کردند. گاهی یک عبارت با همان شکل خود یک مفهوم را می‌رساند و کاری نمی‌توان کرد. طبق پیشنهاد ایشان اگر کمی فضای ارتباطی را بازر کنیم بسیاری از مسائل حل می‌شود.

همان آغاز در خدمت آقای دکتر حری و استادان دانشگاهی بوده و افتخار می‌کنیم که در خدمت شما بزرگواران باشیم. فرمودند که ظاهراً امکانات خوبی دارید، اتفاقاً ما اصلاً امکانات نداریم. تاکنون برای جایی که می‌خواستیم کار کنیم، هشت بار جا به جا شدیم یا جمعیت حدود میانگین ۵۰ نفر طلبه‌ای که معمولاً سطح عالی حوزوی دارند و عمدتاً به مسائل جدید دانشگاهی هم آشنایی دارند و دارای مدرک دانشگاهی هم هستند. در مورد فرمایش خانم بهبشتی در مورد نرم‌افزار اصطلاحنامه، عرض کردم ما داریم ولی در عین حال از آن زحمتی که جناب آقای نوروزی کشیدند ما حاضر به خرید و استفاده از آن هستیم. و در مورد این که ما اطلاعات خود را در اختیار یکدیگر قرار دهیم ما مجموعه‌ای داریم که بسیار باز است و تا کنون ما با چند مؤسسه دینی هم قرارداد امضاء کردیم که در حال حاضر از کار ما استفاده می‌کنند. در مورد پیشنهادی که فرمودند از استاندارد ۵۹۶۴ هم استفاده شود انشاءالله انجام می‌شود ما الان ترجمه همه اصطلاحنامه‌ها به عربی را شروع کردیم و انجام شده است، فلسفه اسلامی فقط به انگلیسی ترجمه شده و برای ترجمه که البته ترجمه به یک معنی نیست و پیدا کردن اصطلاح در زبان دوم هست و بسیار کار پیچیده‌ای هم هست. ما امروز مشکل محقق در زبان‌های غیر عربی داریم، ما فرهنگستان نیستیم و اصطلاحنامه‌نویس هستیم ما یک مشکل با مفاهیم و رابطه بین مفاهیم داریم و مشکل عمده‌تری که داریم این است که این رابطه مفهومی را با کاربرانی که آن را به کار می‌برند جمع کنیم به هر حال ما با کسانی سر و کار داریم که می‌خواهد از آن استفاده کنند به خصوص که اسم حوزه ما فارسی است و علوم اسلامی حوزه‌ای است که فارسی و توأم با عربی است و تفکیک آن ممکن نیست و اگر ما اصطلاح را فارسی کنیم بسیار مشکل است البته سعی کردیم گاهی برای این که نشان دهیم که در این کشور هستیم و از فرهنگ این کشور باید به عنوان فرهنگ فارسی استفاده کنیم به عنوان اصطلاح نامرجح برخی از اصطلاحات فرهنگستانی را هم وارد کردیم. در مورد یادداشت دامنه باید بگویم که بله تعداد کمی یادداشت دامنه وجود دارد و ناگفته نماند که این کار یک کار عمومی نیست و یک کار کاملاً تخصصی است.

در مورد اینکه سطوح تورفتگی را مشخص کنید این حرف برای ما قابل قبول نیست ما یک اصطلاحنامه کاملاً تخصصی هستیم یعنی وقتی در منطق وارد بحث الفاظ می‌شویم نمی‌توانیم دو رده را با هم بیآوریم بلکه رده‌ها بعد از هم به صورت پله‌ای قرار می‌گیرد و آنقدر این پله‌ها ادامه دارد که هر چه را که شما بشکنید اصولاً منطق به هم می‌ریزد. ما انتخاب سطوح را به نمایه‌ساز واگذار کردیم به نظر من اگر در اصطلاحنامه این کار انجام نشده باشد انجام شود. ما عملاً در اصطلاح‌سازی به عنوان

دکتر یعقوب‌نژاد: دیدگاه‌های خانم رها دوست را حتماً در مقدمه بررسی و اشکالات آن را رفع خواهیم کرد. سؤالی مطرح شد که آیا اطلاعات به صورت الکترونیکی بوده و بعد می‌خواستند نمایه‌سازی کنند. باید عرض کنم که ابتدا به این شکل نبود. ولی در حال حاضر برنامه‌ای داریم که طبق گفته خانم بهبشتی کل کار ما روی برنامه انجام می‌شود که همان برنامه ورود اطلاعات اصطلاحنامه است. در بانک واژگان اصطلاحنامه علوم اسلامی حدود ۱۳۰ هزار اصطلاح کنترل شده وجود دارد که محقق در برنامه مراجعه می‌کند و متن را می‌خواند و از اصطلاحنامه اصطلاح مربوط را می‌گیرد و به این متن وصل می‌کند. در حال حاضر به صورت الکترونیکی متن وجود دارد و ما در حین تدوین اصطلاحنامه‌ها اصل متن‌ها را دیدیم. اما با این پیش‌فرض که بناست متن آنها نیز بعداً به صورت الکترونیکی آماده شود و خود فیش‌هایی را که محققان در حین تدوین اصطلاحنامه دیدند و ثبت کردند، اگر آنها نیز وارد شود، به صورت خودکار ارتباط بین آن فیش اصطلاحنامه که آدرس داده شده به آن متنی که بعداً ملحق می‌شود، به وجود خواهد آمد.

درباره این که اصحاب اصطلاحنامه‌نگاری با یکدیگر ملاقات نمی‌کنند، این اشکال بزرگی است که باید حل شود. البته مرکز از

بهبشتی

یکی از مشکلات در اصطلاحنامه‌نگاری این بود که واژه‌هایی که فرهنگستان معادل‌گذاری می‌کرد، متداول نبود

که وجود دارد به شکلی رده‌های آن را معلوم کنیم. در مورد اصطلاحنامه اصول فقه نکته‌ای که لازم است اشاره کنم آقای امیرحسینی فرمودند که نسبت وابستگی در اصول فقه خیلی زیاد است اتفاقاً یکی از مشکلات عمده ما اصطلاحنامه علوم فقه و اصطلاحنامه‌هایی از این قبیل است که اصلاً این علمی است که از خودش هیچ چیز ندارد و فقیر است و هر چه را که دارد از باقی علوم گرفته است برای همین است که نسبت وابستگی آن فوق‌العاده است یعنی گاهی ما به این نتیجه می‌رسیم که اصلاً علم نیست و از فقه، کلام، منطق و فلسفه گرفته شده و همه اصطلاحات از جای دیگر است چون جای اصلی ندارد ولی مشاهده می‌شود که در متون و منابع اصلی اصول فقه این اصطلاحات به کار رفته است پس ربطی به این علم دارد و ربط آن ساختارمند نیست و آن حکایت از این دارد که این علمی است کاملاً فقیر که ساختار معنایی ندارد. در مورد تقسیم توصیف‌گرها این که عرض کردم که خود این مترادفات حکایت از این دارد که ما در حوزه علوم اسلامی مشکلات مفهومی فوق‌العاده‌ای داریم مثلاً وجود در فلسفه ۹۰ شکل به کار رفته است و این حکایت دیگری هم دارد و آن هم این که به بعضی از مباحث آنقدر پرداخته شده که کاملاً متورم شده ولی مباحث اساسی دیگری وجود دارد که مترادفی برای آن وجود ندارد.

دکتر امیرحسینی: از حضور استادان و کارشناسان در این نشست سپاسگزاریم.

پی‌نوشت‌ها

1. Reference input
2. Error signal
3. Context
4. ERIC
5. Education
6. MeSH
7. Feedback
8. Agro-voc
9. Fao
10. M.C
11. Connected ratio
12. Relative ness ratio
13. Integration ratio
14. Dispersion percent

یک کارگاهی که وارد کار شدیم و هر چقدر اصطلاحات را ریزتر و تخصصی‌تر تقسیم‌بندی کرده و نظام معنایی آن را مرتب کنیم برای نمایه‌ساز راحت‌تر است او می‌تواند انتخاب کند و بر اساس سیاست‌گذاری نمایه‌سازی بگوید که من می‌خواهم در نمایه‌سازی تا دو رده پایین بروم. در مورد اصطلاحات مرکب هم من منکر نمی‌شوم که گاهی اشتباه کرده باشیم چون اصطلاحنامه یک کار جمعی است و کار فردی نیست مثلاً اصطلاحنامه منطق را ۸ نفر به اضافه دو استاد کارشناس حوزوی روی آن باید بحث کنند، در جلسات افرادی بودند که نظر را قبول نداشتند ولی وقتی جمع به آن رأی دادند قبول کردند.

در ویرایش‌های جدید ما کدگذاری را انجام دادیم و به خصوص در همایش اصطلاحنامه، نرم‌افزار اصطلاحنامه علوم اسلامی را با کدگذاری و ترجمه عربی انشاءالله ارائه می‌شود و کار دیگری که انجام دادیم این است که بر اساس اصطلاحنامه علوم اسلامی، پایگاه اصول فقه را انجام دادیم یعنی اصطلاحنامه در آنجا در نرم‌افزار وجود دارد محقق یک اصطلاح را انتخاب می‌کند و روابط مورد نظر خود را می‌بیند و از همانجا به توضیحات مفهومی، آدرس‌ها، ارجاعات و اطلاعاتی که داده شده مراجعه می‌کند و متن مورد نظر را در کتاب‌های مربوطه می‌بیند، ۶۰ کتاب‌های اصلی از اصول فقه که در واقع از منابع اصلی اصول فقه هستند در این پایگاه وجود دارد و انشاءالله بقیه پایگاه‌های علوم اسلامی را هم انجام خواهیم داد که یکی از آنها پایگاه علوم قرآنی است. در مورد تغییر نام‌گذاری هم کار بسیار مشکل است منتهی ما در مستندات خود معمولاً این کار را کردیم یعنی وقتی اصطلاحی را در نرم‌افزار می‌بیند اگر به اطلاعات مستندات آن مراجعه کنید متوجه می‌شوید که این اصطلاح را چه کسی به کار برده و از چه تاریخی به کار رفته است.

دکتر امیرحسینی: تشکر می‌کنم. در خاتمه جلسه تنها می‌توان به یک سؤال حضار پاسخ داد اگر هست بفرمایید.

شرکت‌کننده: در مورد منطق فازی که چرا زیرمجموعه نیامده است اساساً تشابه مشترک لفظی است، منطق فازی با منطق ارسطویی زیرمجموعه قرار نمی‌گیرد و صرفاً آن منطق احتمال است و در آنجا منطق ارسطویی حاکم است. منطق ارسطویی بحث مهندسی فکر است و ارتباطی به منطق احتمال ندارد. منطق جدید هم در منطق ارسطویی هضم می‌شود.

دکتر یعقوب‌نژاد: فرمایش خانم دکتر رهادوست مهم است به این جهت که وقتی اصطلاحنامه منطق کار ما هست به هر حال باید عناوینی را